

مجموعه کتاب‌های آموزشی کمک حافظه

دوراندیننان

جلد اول

کمک حافظه حقوق جزای اختصاصی

مجموعه اول؛

جرایم علیه تمامیت جسمانی و معنوی اشخاص

بر اساس آخرین مصوبات و قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹

مطابق با سرفصل‌های آموزشی وزارت علوم

ویژه دانشجویان و داوطلبان آزمون وکالت، قضاوت، سردفتری و تحصیلات تکمیلی

دکتر شادی عظیم‌زاده

دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی از دانشگاه تهران

عضو هیأت علمی (استادیار) دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب

حروف اختصاری

قانون اساسی	ق.ا
قانون مدنی مصوب ۱۳۰۷ با اصلاحات بعدی	ق.م
قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ با آخرین اصلاحات ۱۳۹۹	ق.م.ا
قانون مجازات اسلامی (بخش تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ با آخرین اصلاحات ۱۳۹۹	ق. تعزیرات
قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴	ق.آ.د.ک
قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشاء، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷ با آخرین اصلاحات ۱۳۹۹	ق.ت.م.ا.ک
قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح مصوب ۱۳۸۲	ق.م.ج.ن.م
قانون صدور چک با آخرین اصلاحات ۱۴۰۰	ق.ص.چ
قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹	ق.م.م

به نام دادار بزرگ

کتاب «حقوق جزای اختصاصی» که اینک در اختیار دانشجویان، علاقه‌مندان و رهپویان حقوق کیفری قرار گرفته است، ماحصل تلاشی است طولانی که به منظور تسهیل و تسریع مطالعه حقوق جزای اختصاصی و تحقق یادگیری‌ای دقیق، جامع و کامل برای دانشجویان حقوق که به ویژه در صدد آمادگی آزمون‌های تخصصی و کالت و آزمون‌های تحصیلات تکمیلی در رشته حقوق جزا و جرم‌شناسی می‌باشند، گردآوری شده است.

این مجموعه که مطابق با الگوی خاص یادگیری ابداعی در مؤسسه دوراندیشان تنظیم شده است، بی‌تردید داعیه‌ای بر تألیف یک اثر مستقل نداشته و ندارد، بلکه با نهایت احترام و تواضع در برابر پیشگامان و اساتید و پیشکسوتان رشته حقوق جزا، این مجموعه که فی‌الفسه یک کتاب کمک آموزشی با ویژگی‌های ذیل است، خود را به عنوان اثری معرفی می‌نماید که نسبت به سایر کتب آموزشی حقوق جزا؛ متفاوت‌تر، کامل‌تر و به مراتب مفیدتر جهت یادگیری شایسته مطالب علمی و کاربردی این رشته خواهد بود؛

- این مجموعه در دو جلد مطابق با سرفصل‌های مصوب وزارت علوم در درس حقوق جزای اختصاصی (۱)، (۲)، (۳) و (۴) که دانشجویان حقوق در طی چهار نیم سال تحصیلی و مجموعاً در هفت واحد درسی آن را مطالعه می‌نمایند، گردآوری شده است، بی‌آنکه مبحثی واجد اهمیت از این چهار درس، مورد غفلت قرار گرفته باشد.

- بنابراین در سنانه حقوق جزای اختصاصی (جلد اول)، مربوط به مباحث جرایم علیه اشخاص است که به دو بخش اصلی تقسیم شده است؛ بخش اول — جرایم علیه تمامیت جسمانی افراد که تحت عنوان کلی «جنایات» مورد مطالعه قرار می‌گیرد و بخش دوم — جرایم علیه تمامیت معنوی، حیثیت و آزادی‌های فردی اشخاص. در بخش اول عناصر سه‌گانه جنایات و سازوکارهای ناظر بر قصاص، دیه و اعمال تعزیر در جنایات و سایر مباحث مربوطه مفصل مطالعه شده‌اند، در بخش دوم نیز کلیه جرایم علیه تمامیت معنوی و آزادی‌های فردی اعم از توهین، افتراء، نشر اکاذیب و ... مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

- در در سنانه حقوق جزای اختصاصی (جلد دوم)، مباحث به دو بخش اصلی تقسیم می‌شوند؛ بخش اول — جرایم علیه اموال و مالکیت و بخش دوم — جرایم علیه امنیت و نظم عمومی کشور، بدیهی است که در بخش اول جرایمی چون کلاهبرداری و جرایم مرتبط، خیانت در امانت، اختلاس، سرقت و صدور چک پرداخت‌نشدنی و در بخش دوم جرایمی چون محاربه، بغی، افساد فی الارض، جرایم علیه امنیت با مجازات تعزیری و سایر جرایم مرتبط با امنیت و مصالح و نظم عمومی کشور به تفصیل و با جامع نکات آموزشی، بررسی شده‌اند.

- کلیه مباحث گردآوری شده مطابق با منابع اصلی درس حقوق جزای اختصاصی که غالباً در دانشکده‌های حقوق تدریس شده و در آزمون‌های حقوقی به عنوان منبع امتحانی معرفی می‌شوند، تنظیم شده است؛ از

.....مقدمه مؤلف.....

- جمله کتاب‌های حقوق جزای اختصاصی دکتر حسین میرمحمد صادقی و دکتر حسین آقایی‌نیا، مهم‌ترین منابعی هستند که در سنامه‌های جزای اختصاصی در هر دو جلد آنها را مورد لحاظ قرار داده‌اند.
- آموزش مطالب در قالب نمودارها و الگوهای تصویری توأم با بیان نکات برجسته توضیحی و یا بیان آراء وحدت رویه و نظریه‌های مشورتی مربوطه ارائه شده است.
- در هر مبحث مسأله‌هایی برگرفته از پرسش‌های مربوط به آزمون‌های کارشناسی ارشد، وکالت، مرکز وکلای قوه قضاییه، قضاوت و سردفتری اسناد رسمی از سالهای اخیر درج شده‌اند و نکات حائز اهمیت مطروحه در آزمون‌ها نیز مورد تحلیل قرار گرفته‌اند.
- این مجموعه نه تنها با هدف ارائه‌ی منبعی کمک آموزشی جهت تسهیل یادگیری دانشجویان و تسریع سپردن نکات به حافظه فراهم شده است بلکه به دلیل برخورداری از ویژگی‌های برشمرده شده می‌تواند به مثابه اثری مناسب جهت تدریس در دانشکده‌های حقوق همکاران محترم را یاری رسانده و از طریق دانشجویان حقوقی نیز در طی دوره‌های تحصیلی مورد استفاده قرار گیرد.
- اما مضاف بر تمام اوصاف خاص این مجموعه، باید به مطابقت کلیه مباحث علمی حقوق جزا در این درسنامه‌ها با مقررات تازه مدون قانون مجازات اسلامی پرداخت. تمام سعی نگارنده بر آن بود تا همزمان با ابلاغ و لازم‌الاجرا شدن قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، کمک‌حافظه‌های حقوق جزا نیز در ساختاری نوین از لحاظ علمی و قانونی در دسترس خوانندگان قرار گیرد. قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مطابق اصل هشتماد و پنج قانون اساسی در تاریخ ۱۳۹۲/۳/۴ با امضاء ریاست محترم جمهوری برای اجرا به وزارت دادگستری ابلاغ شده بود، در مورخ ۱۳۹۲/۳/۶ در روزنامه رسمی به چاپ رسید و از پانزده روز پس از آن لازم‌الاجرا گردید. قانون مجازات اسلامی اخیرالتصویب مشتمل است بر (۷۲۸) ماده که از ماده (۱) تا (۲۱۶) بر کلیات اختصاص یافته و از ماده (۲۱۷) تا (۲۸۸) مربوط به حدود، از ماده (۲۸۹) تا (۴۴۷) مربوط به قصاص و از ماده (۴۴۸) تا (۷۲۷) مربوط به دیات می‌باشد، بنابراین از ماده (۴۹۸) تا (۷۲۸) کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی در بحث تعزیرات مصوب ۱۳۷۵/۳/۲ به قوت خود باقی است و تنها مواد (۶۲۵)، (۶۲۶)، (۶۲۷)، (۶۲۸)، (۶۲۹)، (۷۲۶)، (۷۲۷) و (۷۲۸) آن قانون به تصریح قانون‌گذار در ماده (۷۲۸) ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ نسخ گردیده است. با لحاظ اینکه در زمان انتشار این مجموعه، شماره مواد کتاب پنجم تعزیرات مصوب ۱۳۷۵، جهت قرار گرفتن در ادامه بخش دیات قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، تطبیق و هماهنگ‌سازی نشده‌اند، برای پرهیز از اشتباه خوانندگان محترم در موادی با شماره‌های مشابه در این دو مصوبه قانونی؛ هرگاه مواد قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ ارجاع داده شده‌اند تاریخ تصویب آن قانون نیز در کنار شماره ماده مربوطه ذکر شده است. [به عنوان مثال ماده ۴۹۹ ق.تعزیرات مصوب ۱۳۷۵]
- ضمناً با تصویب مقررات جدیدی از جمله قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴، قانون جرم سیاسی مصوب ۱۳۹۵، قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم مصوب ۱۳۹۴ اصلاحی

مقدمه مؤلف.....

۱۳۹۷، قانون صدور چک مصوب ۱۳۸۲ اصلاحی ۱۴۰۰، قانون مبارزه با پولشویی مصوب ۱۳۸۶ اصلاحی ۱۳۹۷، قانون کاهش مجازات حبس تعزیری مصوب ۱۳۹۹، تصویب‌نامه هیأت وزیران مبنی بر تعدیل جزایهای نقدی مصوب ۱۳۹۹ و الحاق دو ماده ۴۹۹ و ۵۰۰ (هر دو مکرر) به قانون تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ در سال ۱۳۹۹ و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت مصوب ۱۴۰۰، این تلاش صورت گرفت تا ضمن آموزش نموداری محتوای کلیه مقررات مذکور، چالش‌های عمده و حائز اهمیت این قوانین نیز مورد بررسی قرار گیرند.

- همچنین در آخرین ویراست این مجموعه کلیه نظریه‌های مشورتی اداره حقوقی قوه قضاییه و آرای وحدت رویه دیوانعالی کشور که از تاریخ تصویب قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ تا سال جاری ارائه شده‌اند، در این کتاب به صورت مباحث چالشی مورد اشاره و بحث قرار گرفته‌اند.

- تازگی و تفاوت‌های عمده قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نوآوری‌های تقنینی در دهه ۹۰ و مقایسه آنها با قوانین سابق بر آن به ویژه در کلیات و مواد عمومی از جمله هشت درجه‌ای شدن مجازات‌های تعزیری، مقررات نوین در مجازات‌های تکمیلی و تبعی، تقنین مقررات جدید راجع به جایگزین‌های حبس، مرور زمان کیفری، مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان، نظام آزادی مشروط، نظام نیمه آزادی، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات‌ها، تعدد و تکرار جرم و مقرراتی جدید در ارتباط با سقوط مجازات‌ها و اضافه شدن مواردی از جرم انگاری‌های نوین در بخش حدود از جمله سب النبی، بغی و افساد فی الارض از نکات حائز اهمیت این قانون است که در این مجموعه با روش آموزشی نموداری سعی بر تفهیم سریع و آسان آنها شده است. بی‌تردید گذر زمان و کاربرد مستمر قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، جامعه حقوقی و نظام عدالت کیفری ایران را با تجربه‌ای تازه در ساختار کیفری رو به رو ساخته و چالش‌ها و مباحث علمی تازه‌ای راجع به مزایا، خلاءها و نواقص این قانون مطرح خواهد شد، که در تقویت و اصلاح این مجموعه کمک آموزشی نیز در آینده موثر خواهد بود.

اکنون که این مجموعه به یاری پروردگار و در سایه آموخته‌های این حقیر از محضر اساتید برجسته رشته حقوق جزا و با کمک و پیشنهادهای موثر و شایسته دوستان، همکاران و دانشجویان گردآوری، تنظیم و به چاپ رسیده و اکنون پیش روی خوانندگان محترم قرار گرفته است، بر خود لازم می‌دانم تا ضمن سپاس از اساتیدی که در محضر آنان دانش اندوزی کرده‌ام، از مسئول محترم موسسه آموزش عالی دوران‌دیشان؛ جناب آقای قاسم حسین‌آبادی و از همکاران و دانشجویان ساعی آن موسسه که در تهیه این مجموعه کمال همکاری را داشته‌اند، قدردانی نمایم. با تاکید بر این امر که مجموعه‌ی تدوینی پیش روی از کمی‌ها و نواقص دور نیست و بی‌تردید پیشنهادهای شایسته خوانندگان محترم و فرهیخته می‌تواند در اصلاح، بهبود و تدقیق هر چه بهتر این مجموعه موثر باشد.

با کمال سپاس

شادی عظیم زاده

پاییز ۱۴۰۰

فهرست مطالب		
صفحه	عنوان	
بخش نخست؛ جرایم علیه تمامیت جسمانی (جنایات)		
۱۸	مبحث نخست - اوصاف رفتار مجرمانه در جنایات	فصل نخست: عنصر مادی جنایات
۱۹	گفتار نخست - وقوع رفتار مجرمانه با فعل و ترک فعل	
۲۵	گفتار دوم - انواع مبادرت در رفتار مجرمانه	
۲۵	- مباشرت	
۲۵	- تسبیب	
۲۷	- اجتماع عوامل مستقیم (مباشر) و غیرمستقیم (سبب)	
۲۹	- اجتماع عوامل غیرمستقیم (اسباب)	
۳۴	گفتار سوم - وقوع رفتار مجرمانه به نحو مادی و غیرمادی	
۳۶	مبحث دوم - شرایط و اوضاع و احوال خاص در جنایات	فصل دوم: عنصر معنوی جنایات
۳۶	گفتار نخست - مجنی علیه؛ انسان زنده	
۴۰	گفتار دوم - مجنی علیه؛ انسان زنده بی گناه	
۵۳	مبحث سوم - نتیجه حاصله در جنایات	
۵۳	مبحث چهارم - رابطه سببیت بین رفتار مجرمانه و نتیجه	
۵۶	مبحث پنجم - شروع به جنایات	
۶۱	مبحث نخست - جنایات عمدی	
۶۱	گفتار نخست - جنایت عمد با قصد مستقیم	
۶۴	گفتار دوم - جنایت عمد با قصد تبعی مطلق	
۶۵	گفتار سوم - جنایت عمد با قصد تبعی نسبی	
۶۹	مبحث دوم - جنایات شبه عمدی	
۶۹	گفتار نخست - جنایات شبه عمد در مفهوم اصلی	
۷۱	گفتار دوم - جنایات شبه عمد ناشی از جهل موضوعی	
۷۵	گفتار سوم - جنایات شبه عمد ناشی از تقصیر جزایی	
۸۰	مبحث سوم - جنایات خطای محض	

۹۰	مبحث نخست - موجبات یا اسباب ضمان و مسئولیت در جنایات	
۱۱۰	مبحث دوم - قصاص	
۱۱۲	گفتار نخست - شرایط ثبوت یا شرایط عمومی قصاص	
۱۱۳	- لزوم تساوی در دین بین جانی و مجنی علیه	
۱۲۱	- لزوم انتفاء ابوت بین جانی و مجنی علیه	
۱۲۴	- لزوم تساوی عقل بین جانی و مجنی علیه	
۱۲۷	گفتار دوم - سایر شرایط در ثبوت قصاص عضو	
۱۳۳	گفتار سوم - شرایط اجرای قصاص	
۱۳۳	- تقاصی مجنی علیه یا اولیاء دم	
۱۴۴	- اذن ولی امر	
۱۴۵	- اذن مجنی علیه یا اولیاء دم	
۱۵۳	- پرداخت تفاضل دیه یا مازاد دیه در موارد لزوم	
۱۶۴	- عدم آزار و ایذاء جانی در اجرای قصاص	
۱۷۳	گفتار چهارم - موانع موقتی اجرای قصاص	
۱۷۳	- بارداری زن محکوم شده به قصاص	
۱۷۵	- خطر سرایت در اجرای قصاص عضو	
۱۷۶	گفتار پنجم - موارد سقوط یا عدم اجرای قصاص	
۱۷۶	- عدم وجود موضوع اجرای قصاص	
۱۸۳	- اثر گذشت یا مصالحه مشروط یا غیر مشروط صاحب حق قصاص	
۱۸۷	- وقوع شبهه در اجرای قصاص	
۱۹۰	مبحث سوم - دیات	
۱۹۲	گفتار نخست - دیه؛ نهادی دو گانه	
۱۹۷	گفتار دوم - میزان دیه	
۱۹۷	- میزان دیه بر اساس نوع صدمه	
۲۱۴	- میزان دیه بر اساس جنسیت مجنی علیه	
۲۲۳	- میزان دیه بر اساس دین مجنی علیه	
۲۲۴	- میزان دیه بر اساس زمان و مکان وقوع جنایت	
		فصل سوم: مجازات جنایات

فهرست مطالب

۲۲۸	گفتار سوم - پرداخت کنندگان دیه	
۲۲۸	- پرداخت دیه توسط جانی	
۲۲۸	- پرداخت دیه توسط عاقله جانی	
۲۳۳	- پرداخت دیه توسط بیت المال	
۲۳۸	- پرداخت دیه توسط شخص حقوقی	
۲۴۱	گفتار چهارم - دریافت کنندگان دیه	
۲۴۵	گفتار پنجم - مهلت پرداخت دیه	
۲۴۷	گفتار ششم - سقوط دیه	
۲۴۸	مبحث چهارم - تعزیر	
۲۴۸	گفتار نخست - جنایات عمد غیر مستوجب قصاص	
۲۵۵	گفتار دوم - اسیدپاشی	
۲۵۸	گفتار سوم - جنایت عمدی بر میت	
۲۵۹	گفتار چهارم - شروع به قتل عمدی	
۲۶۱	گفتار پنجم - سقط جنین به نحو غیر مجاز	
۲۷۹	گفتار ششم - جنایات شبه عمد ناشی از تقصیر جزایی	
۲۹۱	گفتار هفتم - اقدام عمدی بر تمامیت جسمانی دیگری بدون آسیب و عیب	
۲۹۶	مبحث نخست - ارتکاب جنایت در وضعیت صغر، جنون، مستی	فصل چهارم: جنایات و عوامل رافع مسئولیت کیفری
۲۹۸	مبحث دوم - جنایت ناشی از اکراه	
۳۰۴	مبحث سوم - جنایت ناشی از اجبار	
۳۰۸	مبحث چهارم - جنایت ناشی از اشتباه	
۳۱۴	مبحث نخست - شرکت در جنایات	فصل پنجم: شرکت و معاونت در جنایات
۳۲۲	مبحث دوم - شرکت در جرم منازعه	
۳۲۷	مبحث سوم - معاونت در جنایات عمدی	
۳۳۳	مبحث نخست - اقرار	فصل ششم: ادله اثبات جنایات
۳۳۶	مبحث دوم - شهادت شهود	
۳۳۹	مبحث سوم - سوگند	
۳۴۳	مبحث چهارم - علم قاضی	
۳۴۴	مبحث پنجم - قسامه	

.....فهرست مطالب.....

بخش دوم: جرایم علیه تمامیت معنوی، حیثیت و آزادی های فردی	
۳۵۶	مبحث نخست - توهین به اشخاص عادی
۳۵۹	مبحث دوم - توهین به مقامات
۳۵۹	- توهین به رهبری
۳۵۹	- توهین به مقامات داخلی خاص دولتی، حاکمیتی و عمومی
۳۶۳	- توهین به مقامات خاص سیاسی خارجی
۳۶۶	مبحث سوم - توهین به مقدسات
۳۶۶	- توهین به مقدسات به میزان سبّ النبی
۳۶۸	- توهین به مقدسات کمتر از سبّ النبی
۳۷۱	- توهین به ادیان و مذاهب و قومیت ها به قصد نفرت پراکنی
۳۷۴	مبحث چهارم - افتراء
۳۷۶	مبحث پنجم - افتراء عملی
۳۷۷	مبحث ششم - قذف
۳۸۱	مبحث هفتم - نشر اکاذیب
۳۸۳	مبحث هشتم - هتک حیثیت رایانه‌ای از طریق انتشار محتوای صوتی یا تصویری متعلق به دیگری با تغییر یا تحریف
۳۸۵	مبحث نهم - هتک حیثیت رایانه‌ای از طریق انتشار یا در دسترس عموم قرار دادن محتوای خصوصی متعلق به دیگری
۳۸۶	مبحث دهم - تعرض به زنان و اطفال با ایجاد مزاحمت برای آنان در اماکن عمومی
۳۸۷	مبحث یازدهم - هجو
۳۹۰	مبحث نخست - افشاء اسرار حرفه ای
۳۹۲	مبحث دوم - هتک حرمت مراسلات، مخابرات و مکالمات تلفنی
۳۹۷	مبحث سوم - مزاحمت تلفنی
۳۹۹	مبحث چهارم - تصرف عدوانی املاک و هتک حرمت منزل و مسکن اشخاص

فصل نخست:
توهین، هتک
حیثیت و جرایم
مرتبط

فصل دوم:
افشاء اسرار
حرفه‌ای، هتک
حرمت حریم
خصوصی شهروندان
و جرایم مرتبط

.....فهرست مطالب

۴۱۰	مبحث نخست - تهدید	فصل سوم: تهدید
۴۱۱	مبحث دوم - اخذ سند و نوشته با تهدید	
۴۱۴	مبحث نخست - توقیف یا اخفاء غیر قانونی اشخاص	فصل چهارم: جرایم مرتبط با سلب آزادی شهروندان به نحو غیر قانونی
۴۱۷	مبحث دوم - آدم ربایی	
۴۲۱	مبحث سوم - نوزاد ربایی	
۴۲۲	مبحث چهارم - قاچاق انسان	فصل پنجم: جرایم مستوجب حد علیه عفت و اخلاق عمومی
۴۲۸	مبحث نخست - کلیاتی ناظر بر جرایم مستوجب حد	
۴۳۸	مبحث دوم - زنا	
۴۴۲	مبحث سوم - لواط	
۴۴۳	مبحث چهارم - تفخیز	
۴۴۳	مبحث پنجم - مساحقه	
۴۴۴	مبحث ششم - قوادی	
۴۴۷	مبحث هفتم - مصرف مسکر	سازوکارهای مربوط به جرایم علیه تمامیت جسمانی (جنایات) و جرایم علیه تمامیت معنوی و حریم خصوصی اشخاص در قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ (با آخرین اصلاحات خرداد ۱۳۹۴)
۴۵۰		
۴۵۴		فهرست منابع

بخش نخست

جرایم علیه تمامیت جسمانی

(جنایات)

فصل نخست
عنصر مادی جانیات



مقدمه

جرایم علیه اشخاص
جرایم علیه تمامیت جسمانی یا جنایات

جرایم علیه اشخاص مجموعه‌ای از کنش‌های ضداجتماعی است که به موجب قانون به عنوان جرم شناسایی و برای آنها مجازات تعیین شده است، کنش‌هایی که متضمن اقدام علیه تمامیت جسمانی اشخاص حقیقی (انسان‌ها) یا تعدی نسبت به تمامیت معنوی ایشان محسوب می‌شوند. اقدامات مجرمانه علیه تمامیت فیزیکی یا جسمانی یک انسان زنده بی‌گناه در دایره‌ی عنوان موسع «جنایت» قرار می‌گیرند، در حالیکه اقدامات مجرمانه علیه تمامیت معنوی اشخاص که منجر به هتک حیثیت یا اضرار به جایگاه فردی و اجتماعی شخص شده یا تعدی به حقوق و آزادی‌های او محسوب می‌شوند، گستره‌ای متفاوت‌تر از جرایم علیه اشخاص را به خود اختصاص می‌دهند اعم از: توهین، افتراء، نشر اکاذیب و... در بخش اول این مجموعه جرایم علیه تمامیت فیزیکی اشخاص (جنایات) و در بخش دوم به جرایم علیه تمامیت معنوی پرداخته شده است.

انواع جنایت بر مبنای موضوع جنایت
(ماده ۲۸۹ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲)
- جنایت بر نفس
- جنایت بر عضو
- جنایت بر منافع

جنایات که مجموعه‌ای از جرایم علیه تمامیت جسمانی انسان می‌باشند، متناسب با نوع و میزان صدمه حاصل از آنها به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند؛
جنایات بر نفس که عبارت‌اند از اقدام به سلب حیات از انسان زنده بی‌گناه و بنابراین اقدامات مجرمانه علیه تمامیت جسمانی شخص که منجر به سلب حیات از مجنی‌علیه (بزه‌دیده جنایت) گردند و منتج به تحقق قتل شوند، در دسته اول قابل بررسی خواهند بود.
جنایات مادون نفس که عبارت‌اند از کلیه رفتارهای مجرمانه علیه تمامیت جسمانی مجنی‌علیه که هر چند منجر به مرگ وی نمی‌شوند، اما حاصلی کمتر از سلب حیات ایجاد می‌کنند، مثل صدمه به اعضاء اعم از جرح، قطع، ضرب یا نقص عضو یا آنکه منجر به نقص در منافع اعضاء می‌شوند، چنانکه توانایی و قدرت عضوی از اعضاء بدن در نتیجه آن رفتار به طور کلی یا جزئی از بین می‌رود.

انواع جنایت بر مبنای عنصر روانی
(ماده ۲۸۹ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲)

– عمد
– شبه‌عمد
– خطای محض

جنایات صرف‌نظر از نوع نتیجه، در تقسیم‌بندی دیگری مطابق با عنصر معنوی ناظر بر آنها به سه دسته تقسیم می‌شوند؛

– جنایات عمد اعم از جنایت عمد بر نفس (قتل عمد) و جنایات عمد مادون نفس (ضرب، جرح، نقص عضو و ایراد بر منافع به نحو عمدی) موضوع ماده ۲۹۰ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲.

– جنایات شبه‌عمد اعم از جنایت شبه‌عمد بر نفس (قتل شبه‌عمد) و جنایات شبه‌عمد مادون نفس (ضرب، جرح، نقص عضو و ایراد بر منافع به نحو شبه‌عمدی) موضوع ماده ۲۹۱ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲.

– جنایات خطای محض اعم از جنایت خطای محض بر نفس (قتل خطای محض) و جنایات خطای محض مادون نفس (ضرب، جرح، نقص عضو و ایراد بر منافع به نحو خطای محض) موضوع ماده ۲۹۲ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲. با توجه به اولویت مباحث ناظر بر عنصر مادی جنایت و اهمیت احراز رابطه‌ی سببی بین نتیجه واقع شده در یک رویداد جنایی با رفتار جانی، ابتدا چالش‌های مربوط به عنصر مادی جنایت مورد بررسی واقع می‌شوند و متعاقباً تحلیل مواد ۲۹۰ تا ۲۹۲ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ در ارتباط با عنصر معنوی در جنایات بحث خواهد شد.

اجزای عنصر مادی در جنایات

– رفتار مجرمانه
– مجموعه شرایط و اوضاع و احوال خاص
– نتیجه
– رابطه سببیت بین رفتار مجرمانه و نتیجه

اصولاً عنصر مادی در کلیه جرایم مشتمل است بر؛ رفتاری که به موجب قانون به عنوان کنش ضداجتماعی جرم‌انگاری شده است، شرایط و ضوابطی که آن رفتار را احاطه کرده‌اند و از حیث قانون به عنوان شاخص‌های مؤثر در تحقق آن رفتار مجرمانه شناخته می‌شوند، نتیجه حاصل از آن رفتار مجرمانه به ویژه در جرایم مقید به نتیجه که در قالب نتیجه‌ای بالفعل و ملموس محقق می‌شود و در نهایت رابطه علی – معلولی بین آن رفتار مجرمانه و نتیجه حاصل از آن. در جنایات نیز اعم از جنایت بر نفس (قتل) و جنایات مادون نفس (ضرب – جرح – نقص عضو – ایراد بر منافع) و صرف‌نظر از اینکه عمدی باشند یا از موارد غیرعمد (شبه‌عمد یا خطای محض)، قطعاً عنصر مادی این جرایم مشتمل بر چهار جزئی است که به ویژه در جرایم مقید به نتیجه قابل فرض می‌باشند؛ رفتاری که در راستای اقدام علیه تمامیت جسمانی مجنی‌علیه به عنوان کنشی غیرقانونی واقع شده است، شرایطی که آن رفتار را به مفهوم جنایت نزدیک می‌سازند به ویژه شرایط ناظر بر موضوع جنایت که همان مجنی‌علیه است، نتیجه جنایت که یا مرگ قربانی یا صدمه‌ای مادون نفس بر عضو یا اعضای از بدن وی است و از همه مهم‌تر لزوم احراز رابطه سببی یا علی – معلولی بین رفتار جانی و مرگ یا صدمه مجنی‌علیه، رابطه‌ای که حاکی از آن باشد که رفتار مرتکب نسبت به تمامیت جسمانی بزه‌دیده، علت تامه مرگ یا صدمه واقع شده بر وی است.

مبحث نخست - اوصاف رفتار مجرمانه در جنایات

اوصاف رفتار مجرمانه در جنایات

- فعل یا ترک فعل
- مباشرت یا تسبیب یا اقدام در قالب اجتماع عوامل
- عمل مادی یا غیرمادی

رفتار یا کنش غیرقانونی که توسط جانی بر تمامیت جسمانی مجنی علیه واقع شده و منجر به مرگ یا صدمه بر وی شده است از سه جهت با چالش‌های علمی روبرو است؛

- چالش اول ناظر بر این مهم است که آیا رفتار منتهی به مرگ یا صدمه بر مجنی علیه لزوماً از نوع فعل یعنی یک رفتار فیزیکی ایجابی در عالم بیرون است یا آنکه با رفتاری سلبی یا عدمی نیز می‌توان وقوع مرگ یا صدمه بر مجنی علیه را مفروض دانست؟

- چالش دوم بازمی‌گردد به انواع نحوه مبادرت جانی در جنایات اعم از قتل و مادون آن با تأکید بر اینکه عامل جرم، عنصر مادی جرم را می‌تواند مستقیماً (به مباشرت) یا به نحو غیرمستقیم (به تسبیب) انجام دهد و گاه نیز در تحقق یک رویداد مجرمانه زنجیره‌ای از عوامل اعم از مستقیم و غیرمستقیم مداخله دارند که تعیین عامل یا عاملین مسئول در آن جرم قابل تأمل می‌باشد.

پرسش اینجاست که در رویدادهای جنایی نحوه اقدام جانی آیا لزوماً به مباشرت یا لزوماً به تسبیب است؟ یا آنکه اگر وقوع یک جنایت با مداخله زنجیره‌ای از عوامل قابل بحث است، در آن صورت برای تعیین عامل یا عاملین مسئول در جنایت از چه الگوهای علمی و قانونی باید تبعیت کرد؟

- چالش سوم نیز با لحاظ آنکه جنایت به تسبیب از انواع مهم جنایات محسوب می‌شود، بازمی‌گردد به امکان وقوع جنایت با رفتاری غیرمادی یا غیراصابتی، به نحوی که جانی بدون اقدام مستقیم نسبت به تمامیت فیزیکی مجنی علیه سبب مرگ یا صدمه‌ای بر وی را محقق سازد.

گفتار نخست:

وقوع رفتار مجرمانه با فعل یا ترک فعل

رفتار مجرمانه در جنایات عبارت است از رفتاری که از مرتکب سرمی‌زند و منتج به نتیجه مورد نظر یا قابل پیش‌بینی اعم از مرگ یا جراحت یا نقض عضو می‌شود، این رفتار اعم است از رفتار مثبت (فعل) یا رفتار منفی (ترک فعل). بنابراین همان‌گونه که ارتکاب جنایت با رفتار ایجابی ممکن است با رفتار سلبی نیز قابل وقوع است، ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ در مقام بیان شرایط وقوع جنایت با ترک فعل قرار گرفته و مبین آن می‌باشد که اگر شخصی تکلیفی را اعم از اینکه تکلیف قانونی باشد یا قراردادی و یا خود شخصاً آن را تقبل کرده باشد، ترک کند به نحوی که ترک فعل او سبب و موجبی برای مرگ یا صدمه مادون آن شود تا جایی که بتوان گفت رابطه سببی و علی و معلولی بین ترک فعل و نتیجه (مرگ یا صدمه مادون نفس) محقق شده و ترک فعل، علت تامه و نتیجه حاصل از آن، معلول مستقیم ترک فعل بوده است، در اینصورت می‌توان تارک فعل را مرتکب جنایت دانست و در مرحله آخر با بررسی عنصر معنوی تارک فعل می‌توان اقدام به تعیین نوع جنایت و احراز نوع مجازات او اعم از قصاص و دیه کرد. چنانچه تارک فعل با لحاظ ماده ۲۹۰ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ اقدام کرده باشد، جنایت انتسابی به او عمد و با حصول شرایط مستوجب قصاص خواهد بود که حسب مورد قصاص نفس یا قصاص عضو می‌باشد و در غیر این صورت با لحاظ شرایط مواد ۲۹۱ و ۲۹۲ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ اقدام تارک حسب مورد جنایت شبه‌عمد یا خطای محض محسوب می‌گردد.

۱- وجود یک وظیفه قانونی یا قراردادی بر انجام تکلیف؛

- تکلیف والدین در نگهداری از فرزند (ماده ۱۱۶۸ ق.مدنی)
- تکلیف مادر در شیردادن به فرزند (ماده ۱۱۷۶ ق.مدنی)
- وظیفه پزشک، پرستار، سوزن‌بان قطار، ناجی غریق و مانند آن‌ها بر مبنای تعهدات ناشی از قراردادهای و بر اساس ماده ۱۰ ق.مدنی
- لحاظ قاعده لاضرر در تعهدات و تکالیف ولو تکالیفی که شخص آن را شخصاً پذیرفته و صرف‌نظر از چارچوب تراضی دوجانبه، تقبل کرده است.

۲- وجود توانایی تارک فعل در انجام تکلیف

- ۳- وجود رابطه سببی بین مرگ یا صدمه با ترک فعل جانی
- ۴- وجود عنصر روانی اعم از عمد و غیرعمد در ترک فعل

ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲؛

اگر کسی فعلی که انجام آن را برعهده گرفته یا وظیفه خاصی را که قانون برعهده او گذاشته است ترک کند و به سبب آن جنایتی واقع شود، چنانچه توانایی انجام آن فعل را داشته باشد، جنایت حاصل به او مستند می‌شود و حسب مورد عمدی، شبه‌عمدی یا خطای محض است. مانند این که مادر یا دایه‌ای که شیر دادن را بر عهده گرفته است کودک را شیر ندهد یا پزشک یا پرستار وظیفه قانونی خود را ترک کند.

با لحاظ فراز اول از ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مرتکب جنایت با ترک فعل، تکلیفی ایجابی بر عهده داشته است که آن را ترک نموده، اعم از اینکه این تکلیف به موجب قانون الزاماً بر عهده او گذارده شده؛ مثل تکلیف قانونی ماده ۱۱۶۸ ق.مدنی ناظر بر ضرورت نگهداری از فرزند توسط والدین و یا تکلیفی باشد که به صراحت سطر اول ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲، شخص آن را تقبل کرده و بر عهده گرفته است یا بر مبنای تراضی با طرف مقابل خود را مکلف به آن امر کرده است.

حال اگر در نتیجه عدم انجام تکلیفی که تارک فعل قدرت بر انجام آن داشته و عرفاً توانمند برای ایفای آن تکلیف بوده ولی آن را ترک کرده است، به دیگری آسیبی در مفهوم و سطوح مختلف جنایت وارد شود، تارک فعل مسئول آن جنایت است. با تأکید بر این امر که رابطه سببی بین ترک فعل (عدم انجام تکلیف) با نتیجه در قالب یک رابطه علی - معلولی به اثبات برسد.

مقنن در ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ با دو عبارت به لزوم احراز رابطه سببی بین ترک فعل و نتیجه مجرمانه تأکید می‌کند؛ «به سبب آن (منظور ترک فعل است) جنایتی واقع شود.» «جنایت حاصل به او (منظور تارک فعل است) مستند شود.» بنابراین مادری که از نیاز فرزند به شیر مادر جهت تغذیه مطلع است، اما به دلیل حضور گروگان‌گیرها در منزل قادر به تغذیه نوزاد با شیر خود نمی‌شود و نوزاد در نتیجه نخوردن شیر و متعاقباً گرسنگی ناشی از آن می‌میرد، مادر علی‌رغم ترک فعل، سبب جنایت نیست؛ به دلیل فقدان رابطه علی - معلولی مورد نظر و اینکه ترک فعل مادر علت تامه مرگ نوزاد محسوب نشده است.

در نهایت با لحاظ اهمیت عنصر معنوی؛ تارک فعل که سبب جنایت است، می‌تواند حسب مورد سبب جنایت عمد، شبه‌عمد و خطای محض باشد. با توجه به اینکه نوع رفتار (فعل یا ترک فعل) و رابطه سببی امری مربوط به عنصر مادی جرم است، نباید آن را با عنصر معنوی اشتباه گرفت و دقت داشت که تارک فعل ممکن است عمداً یا با علم به اینکه ترک فعل نوعاً موجب جنایت است یا از سر تقصیر (بی‌مبالاتی و بی‌احتیاطی) اقدام به ترک فعل نماید و یا آنکه خطائاً ترک تکلیف کند، در این مفاهیم به شرط احراز رابطه سببی، جنایت به تارک فعل حسب عنصر معنوی مستند می‌شود.

از نکات قابل توجه در بحث جنایت با ترک فعل، تمایز آن با مواردی است که خطر با منشأیی به غیر از اقدام تارک فعل و توسط رفتار دیگری واقع شده است و تارک فعل بدون آنکه در ایجاد آن خطر نقشی داشته باشد با عدم مساعدت به فرد در معرض خطر، در فرآیند وقوع جنایت توسط دیگری حضور می‌یابد و این پرسش

مطرح می‌شود که آیا او نیز به دلیل عدم اقدام در مساعدت به مجنی علیه یعنی به دلیل ترک فعل، در شمول ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ به اتهام مبادرت در جنایت قابل محاکمه است یا صرفاً به دلیل ارتکاب جرمی مستقل مجازات خواهد شد؟

از این رو باید به قانون «مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴»، دقت نمود که تفاوت مهم و مبنایی با ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ دارد. هرچند که در بسیاری از شرایط مصرح در بند اول خود با ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ شبیه است، اما رکن رکینی آن را از جنایت با ترک فعل جدا کرده و باعث می‌شود تا مرتکب خودداری از کمک به مصدومین صرفاً به دلیل ارتکاب یک جرم مستقل به غیر از جنایت، قابل محاکمه باشد، البته منوط به آنکه کلیه شرایط این مقررره محقق گردد.

آن رکن رکین «فقدان رابطه سببی بین ترک فعل مرتکب و خطر واقع شده توسط دیگری بر مجنی علیه» است.

قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی؛

مصوب ۱۳۵۴ اصلاحی ۱۳۹۹

بند اول: «هرکس شخص یا اشخاصی را در معرض خطر جانی مشاهده کند و بتواند با اقدام فوری خود یا کمک طلبیدن از دیگران یا اعلام فوری به مراجع یا مقامات صلاحیتدار از وقوع خطر یا تشدید نتیجه آن جلوگیری کند بدون اینکه با این اقدام خطری متوجه خود او یا دیگران شود و با وجود استمداد یا دلالت اوضاع و احوال بر ضرورت کمک، از اقدام به این امر خودداری نماید. به حبس جنحه‌ای تا یک سال و یا جزای نقدی تا هشتاد میلیون ریال محکوم خواهد شد. در این مورد اگر مرتکب از کسانی باشد که به اقتضاء حرفه خود می‌توانسته کمک مؤثری بنماید به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا دو سال یا جزای نقدی از بیست و پنج میلیون ریال تا صد میلیون ریال محکوم خواهد شد.

مسئولان مراکز درمانی اعم از دولتی یا خصوصی که از پذیرفتن شخص آسیب‌دیده و اقدام به درمان او یا کمک‌های اولیه امتناع نمایند به حداکثر مجازات ذکر شده محکوم می‌شوند.»

بند دوم: «هرگاه کسانی که حسب وظیفه یا قانون مکلف‌اند به اشخاص آسیب‌دیده یا اشخاصی که در معرض خطر جانی قرار دارند کمک نمایند از اقدام لازم و کمک به آنها خودداری کنند، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.»

بند سوم: «دولت مکلف است در شهرها و راه‌ها به تناسب احتیاج، مراکز درمان فوری (اورژانس) و وسایل انتقال مصدومین و بیماران که احتیاج به کمک فوری دارند را ایجاد و فراهم نماید.»

بند چهارم: «مأمورین انتظامی نباید متعرض کسانی که خود متهم نبوده و اشخاص آسیب‌دیده را به مراجع انتظامی یا مراکز درمانی می‌رسانند، بشوند.»

همان‌گونه که از متن مقرر فوق محرز می‌شود؛ رفتار خودداری کننده از کمک، متوجه کسی شده که توسط دیگری یا مصدوم شده یا در معرض خطر جانی قرار گرفته است، یعنی خودداری کننده نقشی در ایجاد این خطر و صدمه نداشته است و بین رفتار او و خطر وارده بر بزه‌دیده هیچ‌گونه رابطه سببی و علی - معلولی برقرار نشده است. بنابراین اگر «الف» با سرعت غیرمجاز رانندگی می‌کرده و به دلیل عدم کنترل اتومبیل با عابری برخورد کند و متعاقباً از صحنه تصادف فرار نماید و «ب» در تمام این فرآیند صرفاً ناظر و شاهدی بر ماجرا بوده و درحالی‌که می‌توانسته با اقدام مؤثر خود به مصدوم کمک کند، به‌نحوی که خطری متوجه خود یا اطرافیانش نشود و چنین مساعدتی توسط او ضرورت داشته اما او آن را ترک کرده است و در نهایت مصدوم فوت کند، جانی «الف» است و «ب» صرفاً مرتکب جرم عمدی خودداری از کمک به مصدومین می‌باشد. زیرا این رفتار «الف» است که علت مرگ محسوب می‌شود و «ب» صرفاً مانع مرگ نشده است، در احراز رابطه سببیت در جنایت، شخصی مسئول است که سبب یا علت یا باعث نتیجه باشد و نه صرفاً مانع وقوع نتیجه.

شرایط تحقق جرم مستقل «خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی»:

۱. وقوع صدمه بر فردی یا قرار گرفتن وی در معرض خطر جانی توسط عاملی مستقل، به نحوی که «ثالث مشاهده‌گر» تقصیری در ایجاد آن خطر یا تقصیری در روند در معرض خطر قرار گرفتن آن فرد نداشته است.
۲. عدم اقدام مشاهده‌گر در کمک فوری یا اعلام فوری به مراجع ذی‌صلاح،
۳. عدم وجود خطر برای مشاهده‌گر و سایرین در راستای مساعدت وی به مصدوم یا فرد در معرض خطر،
۴. احراز عرفی ضرورت کمک به مصدوم یا کمک به فرد در معرض خطر بر مبنای استمداد وی یا دلالت عرفی اوضاع و احوال بر آن.

– مرتکب شخصاً یا در قالب تراضی، انجام آن را بر عهده گرفته است،
 – یا قانون انجام آن را به عنوان وظیفه بر عهده او گذارده است.

– ترک فعلی که
 – مرتکب توانایی انجام وظیفه را داشته است.
 – جنایت مستند به ترک فعل قرار گیرد، به نحوی که مرگ یا صدمه محصول و معلول ترک فعل به عنوان علت تامه جنایت باشد.

شرایط وقوع «جنایت با

ترک فعل» بر مبنای ماده

۲۹۵ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲:

نکته

پدري که با مشاهده غرق شدن فرزندش از نجات او خودداری می‌کند، در صورتی دارای مسئولیت کیفری در مرگ فرزند خویش است که توانایی نجات دادن را داشته و علی‌رغم این امکان، فرزند خود را نجات نداده است. پس پدری که در به دریا افتادن فرزند نقشی نداشته و شنا نیز بلد نبوده، مسئولیتی ناشی از ترک فعل متوجه او نخواهد بود، در حالی که اگر «الف» که در ساحل دریا به حرفه نجات غریق اشتغال دارد با مشاهده استمداد فردی در دریا در شرایطی که امکان کمک‌رسانی به او را دارد از نجات وی خودداری کند و عدم نجات منجر به مرگ یا صدمه غریق شود، نجات غریق بر اساس ترک تکلیف ناشی از قانون و قرارداد مطابق ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ قابل تعقیب کیفری خواهد بود. [مطروحه در آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه‌های سراسری ۱۳۹۲]

مسأله

اگر راننده‌ای با سرعت غیرمجاز و با بی‌احتیاطی به عابری برخورد کرده و به قصد کمک به او از خودرو پیاده شود، ولی وقتی مصدوم را می‌بیند متوجه شود که وی طلبکار اوست و از کمک امتناع کند و در نتیجه مصدوم بمیرد، مسئولیت کیفری راننده چگونه قابل تحلیل است؟

– شاید بتوان به دلیل ترک فعل (امتناع از کمک به فردی که خود موجب صدمه وی شده) با احراز شرایط ماده ۲۹۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ او را قاتل عمدی شناخت به ویژه در صورت احراز سوءنیت، هر چند که احراز این عنصر معنوی آسان نیست.^۱ چون تقارن و تطابق عنصر مادی با عنصر معنوی از شرایط تحقق جرم است و مرتکب در زمان برخورد ناشی از تقصیر با عابر واجد سوءنیت خاص (قصد نتیجه) نبوده است اما در لحظه ترک فعل (عدم کمک‌رسانی به عابر) واجد قصد شده است و به دلیل توالی این رفتارها توسط مرتکب و مقرون شدن ترک فعل به عنصر معنوی عمد، می‌توان ارتکاب جنایت به نحو عمد را به وی منتسب کرد.

– همچنین انتساب اتهام ناشی از قانون مجازات خودداری از کمک به مصدومین و رفع مخاطرات جانی مصوب ۱۳۵۴ آسان نیست، زیرا به نظر می‌رسد که این مقرره برای تعیین تکلیف اشخاصی غیر از کسانی است که در وقوع خطر نقش داشته‌اند.^۲

– البته در صورت توجه اتهام خودداری از کمک به مصدومین باید کلیه شرایط مندرج در مقرره اثبات شده باشد و در صورتی که هیچ یک از فروض قبل میسر نگردد، در نهایت نسبت به مرتکب اتهام قتل شبه‌عمد ناشی از تخلفات رانندگی با لحاظ ماده ۷۱۹ ق.تجزیرات مصوب ۱۳۷۵ قابل طرح می‌باشد.^۳

۱. میرمحمد صادقی، حسین، «جرایم علیه اشخاص»، چاپ یازدهم، نشر میزان، پاییز ۱۳۹۲، ص ۴۱.

۲. آقای نیا، حسین، «جرایم علیه اشخاص»، چاپ سوم، نشر میزان، ۱۳۸۶، ص ۳۸.

۳. ماده ۷۱۹ ق.تجزیرات مصوب ۱۳۷۵ – هرگاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب، محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی‌تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید.

رویکرد فقهی در جنایات ناشی از ترک فعل

فقه جزایی نیز در نظریه غالب، تارک فعل را در صورتی عامل جنایت و مسئول می‌شناسد که بتوان ترک فعل را علت تامه جنایت فرض کرد و صرف اینکه ترک فعل، از تحقق نتیجه پیش‌گیری نکرده باشد را علت تامه نتیجه حاصل شده نمی‌داند. بنابراین اغلب رویکردهای فقهی در شیعه و همچنین برخی گرایش‌های فقهی در میان اهل سنت ملاک ضمان و مسئولیت ناشی از ترک فعل در جنایات را وجود تعهدی مشتمل بر انجام امری می‌دانند که استناد جنایت به آن عرفاً مفروض باشد.

هرچند که برخی فقها نیز قائل به عدم وقوع جنایت با ترک فعل بوده و بیان می‌دارند که چون جنایت امری ایجابی است و ترک فعل امری عدمی، پس امر عدمی نمی‌تواند موجب حصول نتیجه‌ی وجودی شود. صاحب جواهر و شیخ طوسی از جمله فقهایی هستند که ترک فعل را اصولاً در جنایت ضمان آور نمی‌دانند.^۱ اما مطابق نظر مشهور فقها؛ امر عدمی اگر باعث و علت تامه نتیجه باشد موجب مسئولیت تارک فعل است؛ در تحریرالوسیله امام خمینی می‌فرمایند؛ حبس شخص و ندادن آب و غذا به او به نحوی که عادتاً در آن مدت زنده نماند؛ قتل عمد است، هرچند جانی قصد قتل نداشته باشد.^۲

آیت‌الله گلپایگانی در مورد مرگ کارگر معدن در نتیجه اصابت سنگ بدون توجه دیده‌بان به او می‌فرمایند؛ اگر دیده‌بان کوتاهی نکرده باشد، ضامن نیست ولی اگر کارگران با اعتماد به دیده‌بان و تعهد او مشغول کار بوده‌اند و دیده‌بان در عدم مراقبت تقصیر کرده باشد، ضامن مرگ کارگر است.^۳

همچنین بیان شده؛ «صرف اینکه شخصی چه با سوءنیت چه از روی سهل‌انگاری، دست دراز نکرده و کودک خردسالی را از حوضی که در آن افتاده است بیرون نمی‌کشد یا از دادن غذای اضافی خود به انسان گرسنه مشرف به موت خودداری می‌کند؛ سبب قتل شناخته نخواهد شد. زیرا در این موارد رابطه سببیت بین ترک فعل و مرگ وجود ندارد، چون مرگ کودک غریق و انسان گرسنه در نتیجه افتادن در حوض و غرق شدن و یا به دلیل گرسنگی کشیدن او حاصل شده است، نه به دلیل بیرون نکشیدن از حوض یا غذا ندادن، به عبارت دیگر شخص تارک فعل در این موارد مانع مرگ نشده است، در حالی که برای مسئول شناخته شدن، وی باید باعث مرگ شده باشد.»^۴

۱. برای اطلاعات بیشتر ر.ک به؛

– پناهی، محمد، مقاله «تحلیل جنایت ناشی از ترک فعل در فقه و حقوق»، دو فصلنامه علمی – تخصصی گفت‌مان حقوقی، سال پنجم، شماره دهم، پاییز و زمستان ۱۳۹۵، صص ۲۴ – ۵.

– صادقی، محمدحادی و جودکی، بهزاد، مقاله «امکان وقوع جنایت به وسیله ترک فعل»، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال چهارم، شماره پانزدهم، تابستان ۱۳۹۵، صص ۱۲۰ – ۹۹.

۲. موسوی خمینی، روح‌الله، «تحریرالوسیله»، ج ۲، دارالعلم، قم، ۱۳۶۸، ص ۵۱.

۳. گلپایگانی، سید محمدرضا، «مجمع‌المسائل»، ج ۳، مؤسسه دارالقرآن حکیم، قم، ۱۳۷۸، ص ۲۸۹.

۴. میرمحمد صادقی، حسین، «جرایم علیه اشخاص»، چاپ یازدهم، نشر میزان، پاییز ۱۳۹۲، ص ۲۹.

در همین راستا در باب مسئولیت مربی شنا در برابر مرگ شناور، این استدلال قابل تأمل است که:

- ۱- اگر شناگر نابالغ باشد: } به نحوی که به اتکاء مربی شنا به استخر آمده است و در نتیجه و به سبب «عدم مراقبت» مربی شنا از شناگر، صدمه یا مرگ او واقع شده باشد، مربی سبب جنایت است.
- ۲- اگر شناگر بالغ باشد: } - و بر شنا مسلط بوده، صدمه وارده به شناگر ناشی از رفتار خود اوست، نه عدم مراقبت مربی شنا و بنابراین مربی شنا سبب و ضامن مرگ شناگر نیست.
- اگر شناگر هرچند بالغ اما هیچ اطلاعی از فن شنا نداشته باشد و به اعتماد مربی به استخر رفته باشد، صدمه یا مرگ او می تواند منتسب به مربی شنا است.

گفتار دوم:

انواع مبادرت در رفتار مجرمانه

مبادرت در عنصر مادی جنایت اعم از اینکه با فعل باشد یا ترک فعل، همچون سایر جرایم به روش‌های ذیل قابل فرض است:

- ۱- مباشرت
 - ۲- تسبیب
 - ۳- اجتماع سبب و مباشر
 - ۴- اجتماع اسباب (اعم از طولی و عرضی)
- در ادامه مطابق با مقررات قانونی به بررسی هر یک از اقسام اقدام به جنایت با طرح چالش‌های علمی ناظر بر آنها همراه با نمونه‌ها و مثال‌های تحلیلی پرداخته می‌شود.

مباشرت ← مباشرت آن است که جنایت مستقیماً توسط خود مرتکب واقع شود. (ماده ۴۹۴ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲)

تسبیب ← تسبیب در جنایت آن است که کسی سبب تلف شدن یا مصدومیت دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که در صورت فقدان رفتار او جنایت حاصل نمی‌شد، مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند. (ماده ۵۰۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲)

❖ مصادیقی از رفتارهایی که در قالب «تسبیب»، عنصر مادی جنایت را تشکیل می‌دهند؛

- ۱- کندن چاه و افتادن مجنی‌علیه در آن.
- ۲- ریختن مواد لغزنده در مسیر عبور مجنی‌علیه.
- ۳- گذاشتن سنگ در مسیر عبور مجنی‌علیه.
- ۴- مسموم کردن غذایی که متعلق به مجنی‌علیه است.
- ۵- ایجاد نقص فنی در اتومبیل مجنی‌علیه.
- ۶- برانگیختن حیوان درنده بر مجنی‌علیه.
- ۷- اداء شهادتی کذب علیه کسی که چنین شهادتی موجب اجرای مقررات مستوجب مجازات مرگ بر فرد شود.

مسئله

«الف» با علم به مجازات زنای به عنف، «ب» را اکراه کرده تا برخلاف واقع به ارتکاب این جرم اقرار کند، «ب» در اجرای حکم مستند به اقرار اعدام می‌شود، در این وضعیت آیا ارتکاب قتل به «الف» قابل انتساب است؟ [برگرفته از آزمون وکالت ۱۳۹۸]

۱- «الف» با لحاظ مواد ۱۶۳^۱ و ۵۰۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ به عنوان سبب قتل عمدی «ب» تعیین می‌گردد، چون اقرار «ب» مستند به اکراه و بدون اختیار وی واقع شده و با لحاظ مواد ۱۶۸ و ۱۶۹ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲^۲ چنین اقراری فاقد ارزش و اعتبار است و مطابق ماده ۱۶۳ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ مرگ وی که مقرون به اقرار کذب و در نتیجه اکراه محقق شده با اعمال ماده ۵۰۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ به اکراه‌کننده که سبب محسوب می‌شود، منتسب خواهد بود.

هم‌چنین است وضعیت افرادی که تعمداً با شهادت کذب موجب اثبات جرمی در مورد فردی شده و فرد به دلیل این جرم به مجازات سالب حیات محکوم شود، در صورت احراز شهادت کذب چنین افرادی نه تنها شاهدین به مجازات مقرر در ماده ۶۵۰ تعزیرات مصوب ۱۳۷۵ (مجازات جرم شهادت کذب)^۳ محکوم می‌شوند، بلکه با احراز بند (الف) ماده ۲۹۰ و ماده ۵۰۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ می‌توان آنان را به اتهام تسبیب در قتل عمدی مورد محاکمه قرار داد.

۱. ماده ۱۶۳ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲- اگر پس از اجرای حکم، دلیل اثبات کننده جرم باطل گردد، مانند آنکه در دادگاه مشخص شود که مجرم، شخص دیگری بوده یا اینکه جرم رخ نداده است و متهم به علت اجرای حکم، دچار آسیب بدنی، جانی یا خسارت مالی شده باشد، کسانی که ایراد آسیب یا خسارت مذکور، مستند به آنان است، اعم از اداء‌کننده سوگند، شاکی یا شاهد حسب مورد به قصاص یا پرداخت دیه یا تعزیر مقرر در قانون و جبران خسارت مالی محکوم می‌شوند.

۲. ماده ۱۶۸ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲- اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده در حین اقرار، عاقل، بالغ، قاصد و مختار باشد.

ماده ۱۶۹ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲- اقراری که تحت اکراه، اجبار، شکنجه و یا اذیت و آزار روحی یا جسمی اخذ شود، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد نماید.

۳. ماده ۶۵۰ ق. تعزیرات مصوب ۱۳۷۵- هرکس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به بیست و پنج میلیون تا صد میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

اجتماع سبب و مباشر (ماده ۵۲۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲)

در تحقق یک رویداد جنایی همواره صرفاً یک عامل مستقیم (مباشر) یا صرفاً یک عامل غیرمستقیم (سبب) مداخله نکرده است، بلکه رویداد جنایی می‌تواند از مداخله چندین عامل محقق شده باشد و در این وضعیت لزوماً نمی‌توان جنایت را به همه عوامل منتسب ساخت و بررسی کارشناسانه و علمی‌ای برای احراز رابطه علی و معلولی بین عامل یا عاملین مؤثر در تحقق نتیجه لازم است. ماده ۵۲۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲^۱ در راستای ارائه الگویی برای احراز وضعیت عامل مسئول در تحقق رویداد جنایی ناشی از مداخله چند عامل که برخی به مباشرت و برخی به تسبیب عمل کرده‌اند، طی مراتب ذیل را ضروری می‌داند؛

۱. گاه در بررسی نحوه اثرگذاری مجموعه‌ای از عوامل مستقیم (مباشر) و غیرمستقیم (سبب) دخیل در جنایت این امکان وجود دارد که متعاقب گزارش‌های پزشکی و تخصصی کارشناسانه، نتیجه فقط با یکی از عوامل رابطه صددرصدی برقرار نماید، صرف‌نظر از اینکه این عامل واحد، سبب باشد یا مباشر. بنابراین وقتی در یک رویداد جنایی «الف» بر «ب» ضربه‌ای وارد ساخته است و متعاقب مراجعه «ب» به پزشک و مصرف داروی تجویزی پزشک، «ب» فوت کند دو فرض قابل طرح است؛

– ممکن است در نتیجه گزارش‌های کارشناسی محرز شود مرگ «ب» مستند به داروی تجویز شده، بوده است و هر چند ضربه توسط «الف» موجب آسیبی بر «ب» شده اما علت تامه مرگ «ب» منتسب به داروی تجویز شده پزشک می‌باشد. در این صورت پزشک به عنوان سبب، مسئول مرگ مجنی‌علیه است.

– ممکن است که در نتیجه گزارش‌های کارشناسی محرز شود مرگ «ب» مستند به ضربه وارد شده توسط «الف» بوده است به نحوی که اگر داروی تجویز شده، صحیح هم بود نمی‌توانست مانع مرگ «ب» به عنوان نتیجه ناشی از آسیب وارد شده از سوی «الف»، گردد. در این صورت «الف» به عنوان مباشر، مسئول مرگ مجنی‌علیه است.

۲. گاه در بررسی نحوه اثرگذاری مجموعه‌ای از عوامل مستقیم (مباشر) و غیرمستقیم (سبب) دخیل در جنایت این امکان وجود دارد که جنایت مستند به همه عوامل باشد که این وضعیت در دو فرض قابل طرح است؛

– ممکن است همه عوامل به طور مساوی در تحقق نتیجه اثرگذار بوده‌اند. در مثال قبل اگر گزارش کارشناسی متضمن این امر باشد که مرگ «ب» از جمع آسیب وارد شده توسط «الف» و داروی تجویز شده توسط پزشک حاصل شده است پس، مرگ مجنی‌علیه منتسب به همه عوامل است، به نحوی که اگر فقط یکی از عوامل وجود داشت، علی‌رغم اینکه می‌توانست به «ب» صدمه وارد کند اما موجب مرگ وی نمی‌شد، پس رابطه صددرصدی مرگ با هر دو عامل به نحو مساوی برقرار شده است.

۱. ماده ۵۲۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ – هرگاه دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و بعضی به تسبیب در وقوع جنایتی، تأثیر داشته باشند، عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنانچه جنایت مستند به تمام عوامل باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد که در این صورت هریک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول هستند. در صورتی که مباشر در جنایت بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز یا مجنون و مانند آنها باشد فقط سبب، ضامن است.

- ممکن است هر یک از عوامل به میزان تأثیر رفتارشان مسئول باشند. چون تأثیر همه عوامل در تحقق نتیجه یکسان نبوده است، به نحوی که در مثال مورد بررسی، گزارش کارشناسی می‌تواند متضمن این امر باشد که هر چند مرگ «ب» منتسب به ضارب و پزشک است، اما میزان اثرگذاری ضربه در مرگ «ب» ۳۰٪ و میزان اثرگذاری داروی اشتباه ۷۰٪ بوده است. به نحو مشخص اگر هر کدام از این عوامل به تنهایی وجود داشتند علی‌رغم اینکه می‌توانستند به «ب» صدمه بزنند اما موجب مرگ وی نمی‌شدند و قرار گرفتن آن عوامل کنار هم، علت تامه مرگ را محقق ساخته است.
۳. گاه در بررسی نحوه اثرگذاری مجموعه‌ای از عوامل مستقیم (مباشر) و غیرمستقیم (سبب) دخیل در جنایت این امکان وجود دارد که قاعده «سبب اقوا از مباشر» قابل احراز باشد. به موجب این قاعده بررسی‌های کارشناسانه محرز می‌سازند که هر چند در ظاهر نتیجه مستند به مباشر (عامل مستقیم) است، اما مباشر دچار وضعیتی است که وی را در اندازه یک وسیله یا آلت مجرمانه تنزل می‌دهد و این امر عامل غیرمستقیمی را که از وی و با سوءاستفاده از وضعیت خاص مباشر به هدف مجرمانه خود رسیده است، به عنوان سبب اقوا از مباشر، مسئول قرار خواهد داد. موارد ذیل نمونه‌هایی از این قاعده هستند:
- «الف» با استفاده از ربات اقدام به جنایت بر «ب» می‌نماید.
 - «الف» با تحریک یک حیوان درنده به سمت «ب» موجب جنایت بر وی می‌شود.
 - «الف» که قصد کشتن «ب» را دارد، سمی کشنده را داخل قرص‌های کپسول مصرفی وی قرار می‌دهد و آن کپسول‌ها را به پرستار «ب» که از جابه‌جا شدن محتوای کپسول‌ها بی‌خبر است (مباشر ناآگاه) تحویل داده و از وی می‌خواهد آنها را به «ب» بخوراند و به این ترتیب «ب» می‌میرد.
 - «الف» ظرف حاوی اسید را به دست صغیر غیرممیز یا دیوانه‌ای می‌دهد و از وی می‌خواهد که محتوای ظرف را به سمت «ب» بریزد و در نتیجه چنین اقدامی، «ب» به شدت صدمه می‌بیند.
 - «الف»، «ج» را که فرد سنگین وزنی است عالماً و عامداً به سمت «ب» که پشت سر «ج» خوابیده پرت می‌کند که در نتیجه افتادن «ج» بر روی «ب»، «ب» به شدت صدمه می‌بیند.
- در همه مثال‌های فوق ملاحظه می‌شود که «الف» سبب اقوا از مباشر بوده و جنایت بر «ب» به وی منتسب می‌شود. وقتی «الف» از شی (ربات)، حیوان، مباشر ناآگاه، صغیر غیرممیز، مجنون و مجبور (مباشر بی‌اختیار) برای رسیدن به هدف مجرمانه خود استفاده می‌کند، در تمام این موارد ظاهراً جنایت مستند به رفتار مباشر (عاملی که مستقیماً اقدام کرده است) می‌باشد، اما آنان مباشرینی هستند که به علت بی‌ارادگی، ناآگاهی، صغیر یا جنون فاقد مسئولیت‌پذیری بوده و در حد وسیله تنزل داشته‌اند.

اگر دو یا چند عامل، برخی به مباشرت و برخی به تسبیب در وقوع جنایتی تأثیر داشته باشند ←
«عاملی که جنایت مستند به او است» ضامن می‌باشد.

اجتماع سبب و مباشر

چنانچه جنایت مستند به «تمام عوامل» باشد:

چنانچه جنایت مستند به همه عوامل به طور مساوی ضامن می‌باشند، مگر تأثیر رفتار مرتکبان متفاوت باشد ← در اینصورت هر یک به میزان تأثیر رفتارشان مسئول اند.

در صورتی که مباشر در جنایت: بی‌اختیار، جاهل، صغیر غیرممیز (مجنون و مانند آن باشد)؛ «سبب اقوا از مباشر» است و سبب ضامن می‌باشد.

مسئله

شخصی در نتیجه تأثیر مشترک یک ضربه چاقو و نیش سه حشره جان می‌سپارد، مسئولیت ضارب در پرداخت دیه چگونه است؟ [برگرفته از آزمون کارشناسی ارشد دانشگاه‌های سراسری ۱۳۹۲]

ضارب ملزم به پرداخت نصف دیه کامل می‌باشد. زیرا با لحاظ ماده ۵۳۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ اگر جنایت مستند به اثرگذاری چند عامل باشد و محرز شود که اثرگذاری عوامل برابر بوده، عوامل به طور مساوی ضامن هستند و در شرح مسأله یک عامل انسانی و یک عامل غیرانسانی (نیش حشرات) مشترکاً به عنوان عامل مرگ شناخته شده‌اند، پس مسئولیت به طور مساوی بین این دو عامل (ضربه چاقو - نیش حشرات) تقسیم می‌شود.

اجتماع اسباب (مواد ۵۳۵ و ۵۳۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲)

اگر در یک رویداد جنایی چندین عامل غیرمستقیم مداخله کرده باشند، موقعیت محقق شده «اجتماع اسباب» بوده و در دو وضعیت اصلی قابل فرض است؛

۱- اجتماع اسباب طولی در جنایات

۲- اجتماع اسباب عرضی در جنایات

منظور از اجتماع اسباب طولی، اثرگذاری مجموعه‌ای از عوامل غیرمستقیم در طول یکدیگر می‌باشد به نحوی که اسباب یکی بعد از دیگری در تحقق نتیجه با تقدم و تأخر در اثرگذاری، اقدام کرده‌اند. این در حالی است که منظور از اجتماع اسباب عرضی، اثرگذاری مجموعه‌ای از عوامل غیرمستقیم در عرض یکدیگر است به نحوی که این اسباب در عرض هم، به موازات هم و بدون تقدم و تأخر اثرگذار بوده‌اند.

اجتماع اسباب طولی مطابق مقررات قانونی در دو وضعیت بحث می‌شوند؛

۱- اجتماع اسباب طولی همه غیرمجاز (موضوع ماده ۵۳۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲)

۲- اجتماع اسباب طولی برخی مجاز و برخی غیرمجاز (موضوع ماده ۵۳۶ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲)

در اجتماع اسباب طولی که همه غیرمجاز باشند به موجب ماده ۵۳۵ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲^۱، وضعیتی مطرح است که در یک رویداد جنایی چندین عامل غیرمستقیم (سبب) که همگی غیرمجاز بوده‌اند در طول هم از حیث اثرگذاری عمل کرده‌اند و حال در انتساب نتیجه به یکی یا همه آنها می‌توان با احراز رابطه سببی و علی - معلولی به تعیین سبب یا اسباب ضامن به شرح ذیل پرداخت:

- اگر اسباب طولی همه غیرمجاز بدون وحدت قصد مجرمانه عمل کرده باشند، مسئولیت متوجه «سبب مقدم در تأثیر» یعنی سببی است که در زنجیره این اسباب زودتر از سایر اسباب اثرگذار بوده است. بنابراین زمانی که فردی چاهی حفر کرده و دیگری سنگی در مسیر چاه قرار داده است و عابری به سبب برخورد با سنگ داخل چاه افتاده و مصدوم شده است، زنجیره‌ی اسباب به شکل طولی قرار گرفته‌اند که ابتدا سنگ اثر گذاشته است و متعاقباً اثرگذاری چاه محقق شده است، لذا صدمه وارد شده بر عابر به گذارنده سنگ که «سبب طولی غیرمجاز مقدم در تأثیر» است، منتسب می‌شود و او مسئول جنایت واقع شده بر عابر است.

- اگر اسباب طولی همه غیرمجاز با وحدت قصد مجرمانه عمل کرده باشند، رویداد جنایی به همه این اسباب که مقرون به یک سوءنیت، داخل در یک زنجیره علی - معلولی مداخله کرده‌اند، منتسب خواهد شد و وضعیت در قالب «شرکت در جرم» قابل فرض است. پس اگر حافر چاه و گذارنده سنگ هر دو به قصد صدمه به عابر چنین کرده باشند، صرف‌نظر از اینکه یکی از این اسباب زودتر اثرگذار بوده است یا خیر، صدمه وارد بر عابر منتسب به هر دوی آنها بوده زیرا که هر دو به قصد صدمه به مجنی‌علیه، مجموعاً اقدام به ایجاد زنجیره‌ای از اسباب با هدف اثرگذاری بر عابر جهت ورود صدمه به وی، کرده‌اند و شریک در جنایت عمد وارد بر مجنی‌علیه هستند.

- اگر دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند، کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد (سبب مقدم در تأثیر) ضامن است.

[مانند آنکه یکی از آنان گودالی غیرمجاز حفر کند و دیگری به نحو غیرمجاز سنگی در مسیر گذارد و عابری به سنگ برخورد کرده به گودال بیفتد که در این صورت کسی که سنگ گذارده مسئول است.]

- اگر همه اسباب طولی غیرمجاز، قصد ارتکاب جنایت داشته باشند در این صورت «شرکت در جرم» محسوب می‌شود.

❖ اگر همه اسباب طولی و غیرمجاز باشند:

۱. ماده ۵۳۵ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ - هرگاه دو یا چند نفر با انجام عمل غیرمجاز در وقوع جنایتی به نحو سبب و به صورت طولی دخالت داشته باشند کسی که تأثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تأثیر سبب یا اسباب دیگر باشد، ضامن است، مانند آنکه یکی از آنان گودالی حفر کند و دیگری سنگی در کنار آن قرار دهد و عابری به سبب برخورد با سنگ به گودال بیفتد که در این صورت، کسی که سنگ را گذاشته، ضامن است مگر آنکه همه قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند که در این صورت شرکت در جرم محسوب می‌شود.

مسئله

اگر کسی مانعی در خیابان ایجاد کرده، شخص دوم با ریختن مایعی کف خیابان را لغزنده کند و فرد سومی هم در کنار خیابان آتش بیفروزد و دوچرخه‌سوار با برخورد با مانع بر روی مایع لغزنده لیز بخورد و داخل آتش افتاده و جان دهد، مسئولیت قتل بر عهده چه کسی است؟^۱

– با رعایت قاعده سبب مقدم در تأثیر در اجتماع اسباب طولی همه غیرمجاز، مسئولیت قتل با فرد ایجادکننده مانع است که در زنجیره اسباب، سببی محسوب می‌شود که زودتر از سایر عوامل مؤثر بوده است. در همین مثال اگر همه این سه عامل به قصد ایراد آسیب بر دوچرخه‌سوار با وحدت قصد مجرمانه به نحو مشترک مداخله در ایجاد این زنجیره می‌نمودند، قتل به همه آنها منتسب می‌شد و همگی شریک در قتل عمدی محسوب می‌شدند.

در اجتماع اسباب طولی که برخی مجاز و برخی غیرمجاز باشند مطابق ماده ۵۳۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲،^۲ وضعیتی قابل فرض است که در آن مجموعه‌ای از عوامل غیرمستقیم (سبب) در طول یکدیگر از حیث اثرگذاری قرار گرفته‌اند که برخی از آنها قانونی و برخی به نحو غیرقانونی عمل کرده‌اند. نتیجه در چنین فرضی اصولاً بر سببی که غیرمجاز است منتسب می‌شود. بنابراین اگر کسی در منزل خود چاهی حفر کند و دیگری در مجاورت منزل وی اشیایی را به نحو غیرمجاز قرار دهد و مهمان آن منزل علی‌رغم علم به اینکه در ورودی منزل با چاهی روبرو خواهد شد، به دلیل برخورد با آن اشیاء تعادل خود را از دست داده و به محض باز شدن در داخل آن چاه بیفتد و صدمه ببیند، صدمه وارد شده به گذارنده اشیاء (سبب غیرمجاز) منتسب است و او مسئول جنایت وارد شده بر مهمان خواهد بود نه حافر چاه که به نحو مجاز و با اطلاع به مهمان خود در محدوده تحت تصرف قانونی‌اش، چاهی حفر کرده است.

البته همچنان نباید از نظر دور داشت که اگر در این وضعیت نیز همه عوامل دارای وحدت قصد مجرمانه بوده و با مشارکت یکدیگر اقدام به تشکیل زنجیره‌ای از اسباب کرده‌اند که هر چند بخشی از آن ظاهری قانونی و مجاز دارد، اما جنایت منتسب به همه آنها شده و شریک در جنایت عمدی می‌باشند.

۱. میرمحمد صادقی، حسین، «جرایم علیه اشخاص»، چاپ یازدهم، نشر میزان، پاییز ۱۳۹۲، ص ۵۶.

۲. ماده ۵۳۶ ق.م.ا.مصوب ۱۳۹۲ – هرگاه در مورد ماده (۵۳۵) این قانون عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و عمل دیگری مجاز باشد، مانند آنکه شخصی وسیله یا چیزی را در کنار معبر عمومی که مجاز است، قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی حفر کند که مجاز نیست، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است. اگر عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است.

❖ اگر در اسباب طولی برخی مجاز و برخی غیرمجاز باشند:

اگر عمل یکی از دو نفر غیرمجاز و دیگری مجاز باشد، شخصی که عملش غیرمجاز بوده، ضامن است.
[مانند آنکه شخصی وسیله‌ای را در کنار معبر عمومی که مجاز است قرار دهد و دیگری کنار آن چاهی غیرمجاز حفر کند، حافر ضامن است.]

مسئله

«علی» در ملک متعلق به خود چاهی حفر می‌کند و «رضا» بدون اجازه «علی» در ملک او مقداری سنگ قرار می‌دهد و «حسین» را به خانه «علی» می‌کشانند، «حسین» در تاریکی شب به سنگ‌ها برخورد کرده و داخل چاه می‌افتد و می‌میرد. مسئولیت جنایت بر «حسین» متوجه کیست؟
- اگر «علی» و «رضا» هر دو قصد ارتکاب جنایت را داشته باشند، شریک در جرم قتل عمدی «حسین» هستند.
- در غیر این صورت با لحاظ اینکه «علی» سبب مجاز و «رضا» سبب غیرمجاز است، با رعایت قاعده حاکم بر اجتماع اسباب طولی برخی مجاز و برخی غیرمجاز؛ «رضا» مسئول است.

نکته

اگر در اسباب طولی، عمل شخصی پس از عمل نفر اول و با توجه به اینکه ایجاد آن سبب در کنار سبب اول موجب صدمه زدن به دیگران می‌شود، انجام گرفته باشد، نفر دوم ضامن است. (فراز آخر ماده ۵۳۶ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲)

این قاعده نه تنها در اسباب طولی برخی مجاز و برخی غیرمجاز بلکه در اسباب طولی همه غیرمجاز نیز صدق می‌کند؛ هرگاه کسی سنگی را در جایی بگذارد و دیگری با توجه به اینکه کندن گودالی در مقابل سنگ موجب صدمه به دیگران خواهد شد، گودالی را در مقابل سنگ حفر نماید مسئولیت مرگ یا صدمه با حافر گودال خواهد بود اعم از اینکه عمل هر دو غیرمجاز انجام شده باشد یا عمل حافر مجاز و عمل گذارنده سنگ غیرمجاز باشد.^۱

اشتراک اسباب (ماده ۵۳۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲)

اگر دو یا چند نفر به نحو شرکت، سبب وقوع جنایتی یا خسارتی بر دیگری شوند به طوری که آن جنایت یا خسارت به هر دو یا همگی مستند باشد به طور مساوی ضامن می‌باشند. مطابق با ماده ۵۳۳ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ اگر عوامل غیرمستقیم در عرض هم و به موازات یکدیگر در وقوع یک رویداد جنایی مداخله داشته و همگی با هم علت تامه جنایت را ایجاد نمایند، با اشتراک اسباب که موجب تساوی مسئولیت ایشان خواهد شد، مواجه می‌شویم. ماده ۵۲۸ ق.م.ا. مصوب ۱۳۹۲ در این باره به نمونه‌ای مصداقی می‌پردازد که در آن مداخله چند سبب، موجب ایجاد یک علت تامه شده و نتیجه به همگی و به طور مساوی منتسب خواهد شد؛

۱. میرمحمد صادقی، حسین، «جرایم علیه اشخاص»، چاپ یازدهم، نشر میزان، پاییز ۱۳۹۲، ص ۵۹.

ماده ۵۲۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲:

هرگاه در اثر برخورد دو وسیله نقلیه زمینی، آبی یا هوایی، راننده یا سرنشینان آنها کشته شوند یا آسیب ببینند در صورت انتساب برخورد به هر دو راننده، هریک مسئول نصف دیه راننده مقابل و سرنشینان هر دو وسیله نقلیه است و چنانچه سه وسیله نقلیه با هم برخورد کنند هریک از رانندگان مسئول یک سوم دیه راننده‌های مقابل و سرنشینان هر سه وسیله نقلیه می‌باشد و به همین صورت در وسایل نقلیه بیشتر، محاسبه می‌شود و هرگاه یکی از طرفین مقصر باشد به گونه‌ای که برخورد به او مستند شود، فقط او ضامن است.

ملاحظه می‌شود که در فرض اشتراک اسباب یا اسباب عرضی، دیگر خبری از تقدم و تأخر اثرگذاری اسباب نیست. در حالیکه در اسباب طولی همه غیرمجاز، به عنوان مثال اثرگذاری سنگ بر اثرگذاری چاه مقدم بود اما در اسباب عرضی وقتی «الف»، «ب» و «ج» با هم اقدام به حفر یک چاه می‌کنند و عابری به دلیل افتادن در چاه می‌میرد، «الف»، «ب» و «ج» اسباب عرضی هستند که شریک در قتل می‌باشند. زیرا اقدام ایشان مشترکاً موجب ایجاد یک علت تامه (چاه) شده است، صرف نظر از اینکه کدام یک در حفر چاه بیشتر زحمت کشیده‌اند یا کمتر، مهم این است که هر سه اقدام به حفر چاهی نمودند که علت مرگ عابر شده است. در ماده ۵۲۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نیز رانندگان مقصر هر دو باعث حادثه‌ی منتج به تصادف شده‌اند که مرگ سرنشینان را محقق ساخته است. بنابراین رانندگان مقصر در تولید حادثه‌ی منجر به تصادف به طور مساوی مسئول جنایت وارد شده هستند. قطعاً اگر محرز شود که در برخورد دو وسیله نقلیه با هم فقط یک راننده مقصر بوده، رابطه سببی فقط با راننده مقصر برقرار می‌شود و او مسئول جنایت ناشی از برخورد و حادثه تصادف خواهد بود. نه تنها فراز آخر ماده ۵۲۸ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ مؤید این امر است بلکه ماده ۵۳۱ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ نیز بیان می‌دارد: «در موارد برخورد، هرگاه حادثه به یکی از طرفین مستند باشد مثل اینکه حرکت یکی از طرفین به قدری ضعیف باشد که اثری بر آن مترتب نگردد، تنها درباره طرفی که حادثه مستند به اوست، ضمانت ثابت است.»

۱. ماده ۱۲۵ ق.م.ا مصوب ۱۳۹۲ - هر کس با شخص یا اشخاص دیگر در عملیات اجرایی جرمی مشارکت کند و جرم، مستند به رفتار همه آنها باشد خواه رفتار هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنان مساوی باشد خواه متفاوت، شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم است. در مورد جرایم غیرعمدی نیز چنانچه جرم، مستند به تقصیر دو یا چند نفر باشد مقصران، شریک در جرم محسوب می‌شوند و مجازات هر یک از آنان، مجازات فاعل مستقل آن جرم است.